

دیدگاه

زباله‌های خانگی و بیمارستانی سرگردان در جنگل

هومان خاکپور

■ اینجا جنگل کلکچی در حاشیه شهر لرדگان است؛ جایی که در بالادست اراضی کشاورزی و رودخانه سردگان و برخی از منابع تامین آب شرب و کشاورزی روستاهای منطقه قرار گرفته است. چندین مزرعه پرورش ماهی و شالیزارهای زیادی از لرندگان تا سد کارون ۴ از آب همین رودخانه مستفیض می‌شوند! با این وجود، نحوه انباشت زباله‌های خانگی و حیرت‌آورتر، زباله‌های بیمارستانی را تماشا کنید! زباله‌هایی که از روستاهای واقع در اطراف شهر لرندگان جمع‌آوری شده و بدون کمترین ممانعتی این‌گونه در این مکان جنگلی انباشته می‌شود تا در برابر دیدگان دست‌اندرکاران حوزه محیط‌زیست و بهداشت محیط منطقه گسستاخانه‌تر سلامت مردم و محیط‌زیست را به چالش بکشد!

متأسفانه وقتی چنین رفتارهای حیرت‌انگیز و دردناکی را از نهاد متولی جمع‌آوری و دفن بهداشتی زباله‌های روستایی می‌بینیم نه مردم عادلی متوجه می‌شویم که کار از جاهای دیگر می‌لنگد! وگرنه چگونه ممکن است در برابر چشمان عالی‌ترین مقامات ارشد و دست‌اندرکاران حوزه محیط‌زیست و سلامت منطقه چنین نابخردی‌های خطرناکی رخ دهد و پسماندهای پزشکی خطرناک از درمانگاه‌ها و خانه‌های بهداشت روستایی به همراه زباله‌های خانگی در جنگل رها شوند و پساب و شیرابه آنها به منابع آبی پایین دست نفوذ کند و همه سکوت کنند و صدایی هم از این مسوولان درنیاید!

نگارنده خود شاهد بوده‌ام کبه به‌رغم مکان‌یابی‌های صورت گرفته، شوربختانه زباله‌های اغلب مناطق شهری و روستایی منطقه، بدون هیچ‌گونه عمل جداسازی از مبدا، در داخل جنگل و در خارج از مکان‌های تعیین شده انباشته می‌شوند و حتی اگر در مواردی به این مکان‌های دفن زباله هم حمل شوند، در آنجا نیز کمترین توجه و نظارتی



بر نحوه صحیح و بهداشتی دفن این زباله‌ها صورت نمی‌گیرد و نهایتاً به‌وسیله باد یا باران در جنگل پراکنده‌می‌شوند!

باید که تا فرست باقی است، نهادهای متولی شامل بخشداری‌ها، شبکه بهداشت و درمان، منابع طبیعی و حفاظت محیط‌زیست منطقه در چارچوب وظایف و اختیارات نظارتی خویش، دهیاری‌ها و شهرداری‌های منطقه را وادار کنند تا به دفن غیراصولی و غیربهداشتی زباله‌ها در عرصه‌های جنگلی پایان داده و همه نهادهای حوزه اطلاع‌رسانی و امور فرهنگی با عزمی ملی دست در دست هم داده تا سطح آگاهی‌های عمومی مردم برای تفکیک و جداسازی زباله‌ها در مبدا و رها نکردن این زباله‌ها در محیط‌های جنگلی و طبیعی را ارتقا یخشند.

افزایش سطح دانش و مهارت‌های فنی کارکنان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و همین‌طور ورود دستگاه‌های نظارتی برای نظارت مستمر و دقیق بر عملکردها در زمینه حمل، انباشت و دفن بهداشتی زباله‌های خانگی و انتقال زباله‌های پزشکی به مراکز بیمارستانی دارای دستگاه‌های زباله‌سوز، می‌تواند تا حد زیادی به سلامت جامعه و حفظ محیط‌زیست‌مان کمک کند.

خبر

مخالفت روستایان بافق با احداث جاده در زیستگاه بوزبیلنگ

■ اهالی بیش از ۱۹ روستا از توابع شهرستان بافق در طوماری خطاب به رییس جمهوری خواستار توقف احداث جاده گزوییبه در منطقه حفاظت شده کوه بافق شدند. به گزارش سبزرپرس، امضاکنندگان این طومار پنج دلیل برای مخالفت خود با احداث این جاده اعلام کرده‌اند که «حالی از سکنه شدن» بیش از ۴۰ روستا در مسیر قدیمی جاده بافق به سبزبشت، اولین دلیل ذکر شده در این طومار است. در بخشی از این نامه آمده است: جناب آقای احمدی‌نژاد ما اهالی روستاهای فوق‌الذکر بنا بر دلایل ذیل مخالفت خود را با احداث جاده گزو که از مناطق کوهستانی و صعب‌المرو و از وسط کوه حفاظت شده بافق می‌گذرد اعلام می‌نماییم:

با توجه به بررسی و کارشناسی‌های انجام شده جاده گزو تنها ۲۲ کیلومتر از مسیر فعلی کوتاه‌تر خواهد بود و با توجه به خطر ریزش کوه نگهداری مسیر جاده از مناطق کوهستانی و صعب‌المعبر خواهد گذشت، بنابراین باوجود گرندهایی که وجود دارد از نظر دره زمانی، تغییر مسوسای با جاده فعلی نخواهد داشت.

بررسی‌های دانشگاه «ییل» آمریکا نشان داد

ناکامی ایران در حفظ منابع آب واکوسیستم‌ها

مژگان جمشیدی

بعد از اقت ایران در شاخص «عملکرد مبارزه با تغییرات اقلیمی» که ایران را در بین ۶۱ کشور در جایگاه شصتم جهان قرار داده بود، اکنون نوبت به شاخص عملکرد محیط‌زیستی در سال ۲۰۱۲ رسیده است. شاخصی که هر دو سال یکبار توسط دانشگاه ییل آمریکا که کار مانیترینگ محیط‌زیست جهانی را انجام می‌دهد منتشر می‌شود و از معتبرترین شیوه‌های سنجش شاخص‌های زیست‌محیطی در دنیاست.

بر اساس این گزارش که همزمان با برگزاری مجمع جهانی اقتصاد در داووس منتشر شد، ایران در میان ۱۳۲ کشور جهان با ۳۶ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۱۰ میلادی در رتبه ۱۱۴ جهان قرار گرفته است. در این فهرست کشورهای سوئیس، لاتویا و نروژ از نظر عملکرد محیط‌زیستی در رتبه‌های اول تا سوم و عراق، ترکمنستان و ازبکستان به ترتیب در پایین‌ترین رتبه‌های جهان قرار گرفته‌اند.

بر اساس گزارش شاخص عملکرد محیط‌زیست (EPI) ایران با کسب نمره ۴۲/۷۳ در مقام ۱۱۴ قرار گرفته است این در حالی است که پیش از این کشورمان در سال ۲۰۱۰ با کسب نمره ۶۰ در مقام ۷۸ جهان و در سال ۲۰۰۸ میلادی با نمره ۶۶/۹ در رتبه ۶۷ جهان و در سال ۲۰۰۶ نیز در جایگاه ۵۳ جهان قرار داشته است.

در این گزارش ۲۲ شاخص زیست‌محیطی مورد اندازه‌گیری قرار گرفته که ایران در بخش استفاده از آب، حفظ منابع آبی، انتشار گازهای گلخانه‌ای و انتشار ذرات معلق کمتر از ۲۵ میکرون عملکرد ضعیفی را در میان سایر شاخص‌ها به خود اختصاص داده است. تحلیل‌های آماری این شاخص با توجه به دهه گذشته و نتایج روند عملکرد زیست‌محیطی کشور در جهت رسیدن به استانداردها و اهداف تعیین‌شده نشان می‌دهد که ایران در ارتباط با شیلات و ماهیگیری، کنترل آلودگی هوای محیط‌های بسته و کنترل بیماری‌های محیطی و مرگ و میر کودکان با روند مثبت مواجه بوده و در زمینه اثر آب بر سلامت انسان و کشاورزی تغییرات ثابتی داشته است. اما ایران در زمینه سربه‌انشار گاز CO2 با روند ۵۰- شاخص عملکرد منفی و پس از آن استفاده از آب و حفاظت از منابع آبی روند نزولی

برده اول: آشنایی من با پروژه احداث بیوم‌های ایران و جهان در پارک پردیسان به دهه ۶۰ ششسی برمی‌گردد. آن وقت که در بخش گیاهشناسی موزه تاریخ طبیعی مشغول کار بودم، یکی دو سال حقوق من از محل آن طرح داده می‌شد. یادم می‌آید که بعد از یک سال که تازه بنا بود قرارداد من تایید و حقوق معوقه پرداخت شود، مدیر پروژه برای پرداخت حقوق من اشکال شرعی گرفته بود. بالاخره من در سال ۱۳۷۲ به خارج رفتم. وقتی در سال ۱۳۷۷ به ایران برگشتم، آقای ایافت از مدیران ارشد آن زمان سازمان اصرار به همکاری مجدد من با سازمان داشت.

ترتیب ملاقاتی با خانم ابتکار و پیشنهاد شد تا به نحوی با سازمان همکاری داشته باشم. بعد هم ملاقات‌هایی با آقای نجفی معاونت تنوع زیستی و محیط طبیعی و آقای حجت معاون آموزشی صورت گرفت. هر دوی این چهره‌ها برای من که سال‌ها با سازمان همکاری داشتم چهره‌های ناآشنا بودند و همچنین مدیر کل موزه آقای فاضل، بعد از ملاقات با آقای نجفی پیشنهاد شد که من مشاور پروژه پردیسان باشم.

من دو کار را انجام دادم. اول تملای گزارش‌ها و نتایج قبلی پروژه را از مسوولان گرفتم تا با آن آشنایی پیدا کنم. دوم آنکه به جمع‌آوری تمامی گیاهان پردیسان اقدام کردم. از این طریق می‌خواستم فلور این بخش از تهران را که هنوز تخریب نشده بود مطالعه کنم. این بررسی برایم بسیار مهیج بود. چون هنوز پوشش‌های دست نخورده‌ای در تهران بود که اطلاعات چندانی در مورد آن در اختیار نبود. بعد از چند ماه مطالعه میدانی و منابع و طرح‌های قبلی پیشنهادی را به روی کاغذ آوردم. نباشد که این طرح را در جلسه‌ای با حضور خانم ابتکار و آقای نجفی به اطلاع برسانم. ۲۰ دقیقه به من وقت داده شد. در طرح ارایه شده با توجه به ویژگی‌های طبیعی منطقه سعی شده بود اکوسیستم‌های طبیعی ایران در پردیسان طراحی و از همه بهتر چند نقطه پردیسان بمعاونان نقاط حفاظت شده در نظر گرفته شود.

یادم می‌آید در آن جلسه خطاب به خانم ابتکار گفتم: اگر سازمان محیط زیست نتواند این نقاط را که در مرکز فرماندهی سازمان است حفاظت کند، نمی‌توان انتظار داشت که سازمان می‌تواند سایر نقاط کشور ازجمله مناطق دور افتاده در سیستان و بلوچستان را حفظ کند. چند ماهی گذشت. من دیدم که سازمان اصلا برنامه‌ای برای استفاده از طرح من و حتی ایده‌های علمی من ندارد و من دچار روزمرگی شده‌ام. بالاخره همزمان با آغاز سال ۱۳۷۸ نامه کوتاهی به خانم ابتکار نوشتم و در آن توضیح دادم که متأسفانه ۹۶ ماه بعد از بازگشت من به ایران، سازمان نتوانسته از توان تخصصی من استفاده کند. آن‌طور که شنیدم خانم ابتکار نامه را به آقای نجفی داده و ایشان هم عصبانی شدند و ارتباط من با سازمان به کلی

محیط زیست



به میزان ۴۸/۴- داشته است. از سوی دیگر درخصوص غلظت ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون نیز روند ۲۶/۶- داشته است. به عبارت دیگر ایران توانسته در گروه بهداشت محیط

به ۵۸/۲ درصد اهداف خود نایل شود اما در گروه پویایی اکوسیستم تنها به ۳۶/۱ درصد اهدافش دست‌یافته که بسیار ضعیف است. به‌طور کلی می‌توان گفت که شاخص‌های بهداشت محیط با روند مثبت ۷/۸ و پویایی اکوسیستم با روند مثبت ۸۷- نقش اساسی در امتیاز ایران ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر پیش از این نیز چهار ماه قبل سازمان بهداشت جهانی شهر اهواز را به عنوان آلوده‌ترین شهر جهان از نظر شاخص آلاینده ذرات معلق معرفی کرده بود و نکته نامل‌برانگیز اینکه در این گزارش سه شهر سنجندج، یاسوج و کرمانشاه نیز در شمار ۱۰ شهر نخست آلوده جهان از نظر هوا معرفی شده بودند اما در تمامی این موارد واکنش مسوولان ایرانی چیزی جز انکار و تکذیب نبوده است!

شاخص عملکرد محیط‌زیستی یا EPI که از معتبرترین شیوه‌های سنجش شاخص‌های زیست‌محیطی در دنیاست نشان می‌دهد که در یک کلام وضعیت محیط‌زیست ایران اصلا خوب نیست و بر اساس آمار و واقعیت‌های موجود در چهار گوشه ایران که خود حقیقت را فریاد می‌زنند در هفت سال گذشته وضعیت محیط‌زیست به دلیل اتخاذ سیاست‌های توسعه ناپایدار و تقابل توسعه با محیط‌زیست و رانده شدن محیط‌زیست به قعر اولویت‌های برنامه‌ریزی کشور هر سال بدتر از سال قبل شده است. در این میان بی‌توجهی مجلس شورای اسلامی و دستگاه قضایی به اتفاقاتی که در حوزه محیط‌زیست افتاده و نقض آشکار قوانین نیز مزید بر علت شده تا امروز محیط‌زیست ایران با روند شتابناک تخریب مواجه شود که اگر به این همه، سوءمدیریت در حوزه محیط‌زیست را هم بیفزاییم دلایل سقوط کشورمان در شاخص‌های زیست‌محیطی بیش از پیش روشن می‌شود.

فقط کافی است نگاهی به وضعیت دریاچه‌ها و تالاب‌های خشک شده کشور، افت کارایی اکوسیستم در پارک‌های ملی و روند واکتاری‌ها و موافقت‌های صورت گرفته در چند سال

آخر برای باز شدن پای صنعت و عمران به مناطق تحت حفاظت و اکوسیستم‌های بکر کشور بیندازیم تا حقیقت را دریابیم

با این حال واکنش عالی‌ترین مقام اجرایی محیط‌زیست کشور به گزارش اورند زیر در هر آیتیم و مولفه‌هایی، رتبه‌بندی‌هایی در دنیا انجام می‌شود. مثلاً در موضوع پسماندهای الایندگی هوا، گازهای گلخانه‌ای در میزان گازی که آزاد می‌شده و در موضوع کنترل بیابان و موضوعات مختلف رتبه‌بندی‌هایی در دنیا صورت می‌گیرد. محمدی‌زاده

با بیان اینکه آن مستندات که بعضی‌ها مطرح کرده‌اند اصلا قابل اتکا نیست، می‌افزاید: «باید درخانه کنواسیون‌های سازمان ملل رتبه‌بندی‌هایی را اعلام کنند و در واقع وضعیت محیط‌زیست ایران این‌گونه نیست که مطرح می‌شود.»



ان گیاهان را به هرباریوم سازمان هم نداده‌اند. پرده سوم: در سال‌های آخر دولت هفتم بخش عمده شرق پردیسان برای ساخت سازمان مرکزی و واحدهای مربوطه مانند موزه تخریب شد. در چند سال اخیر هم دره فرحزاد به محیط زیست به درستی جمع‌آوری نهال‌های کاشته شده در شد. جای آن را رود دره‌ای گرفته است که با پول شهروندان تهرانی و عوارض و تراکم فروشی، پوشش طبیعی و غنی آن دره با بتن و چند لگه و گیاه خارجی جایگزین می‌شود. این درد است که سازمان محیط زیست و موزه و بخش گیاهشناسی آن Epipactis veratrifolia ارکیدها در حاشیه رودخانه فرحزاد را زیر تنبع لودرهای شهرداری و در چند قدمی کاخ محیط‌زیست نشنونند. آخرین حلقه این تخریب هم نابودی مملشتی بین بزرگراه همت و یادگار امام بود که در بهار امسال تنها درختچه Tamarix litwinovii هم با لودرهای شهرداری نابود شد. یادم نمی‌رود که در روز سبزدهمدر که به آنجا رفته بودم دیدم که می‌خواهند مجددا پروژه محیط زیست ولی چند هفته بعد که به آنجا رفتم دیدم کل منطقه نابود شده. اشک در چشمانم جاری شد و بر این رفتار پردیسان و شهرداری برآشفتم.

برده آخر: در خبر مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۶ سبیز پرس آمده

ایران گفته: این درست نیست که گفته شود آمارهای به کار رفته در مطالعه شاخص کارایی محیط‌زیست، آمارهای رسمی نیستند. چراکه ما این اطلاعات را از آژانس‌های بین‌المللی جمع‌آوری کرده‌ایم که دولت ایران آمارها و اطلاعات را کشور به کشور به گزارش‌آخر درخو ر توجه است. محمدجواد محمدی‌زاده، رییس سازمان محیط‌زیست که دو سال قبل کاهش رتبه ایران در محیط‌زیست را به گردن دیگر دستگاه‌ها انداخته بود اخیرا در واکنش به سقوط ۲۶ پله‌ای محیط‌زیست ایران موضع تازه‌ای اتخاذ کرده و اساس این مطالعات را رد کرده است! او می‌افزاید: نمی‌دانم این آماری را که بعضی‌ها مطرح می‌کنند از کجا می‌آورند زیرا در هر آیتیم و مولفه‌هایی، رتبه‌بندی‌هایی در دنیا انجام می‌شود. مثلاً در موضوع پسماندهای الایندگی هوا، گازهای گلخانه‌ای در میزان گازی که آزاد می‌شده و در موضوع کنترل بیابان و موضوعات مختلف رتبه‌بندی‌هایی در دنیا صورت می‌گیرد. محمدی‌زاده

با بیان اینکه آن مستندات که بعضی‌ها مطرح کرده‌اند اصلا قابل اتکا نیست، می‌افزاید: «باید درخانه کنواسیون‌های سازمان ملل رتبه‌بندی‌هایی را اعلام کنند و در واقع وضعیت محیط‌زیست ایران این‌گونه نیست که مطرح می‌شود.»

از سوی دیگر معصومه ابتکار رییس سابق سازمان محیط‌زیست ایران و عضو شورای شهر تهران نیز سقوط ۲۶پله‌ای محیط‌زیست ایران را تأسف‌بار خوانده و می‌گوید:اگر به رتبه‌های کشور صدر جدول یعنی سوئیس، فنلانوژ و... نگاه کنیم می‌بینیم که کشورها هم می‌توانند توسعه‌یافته و پیشرفته باشند و هم محیط‌زیست سالم داشته باشند ولی در ایران متأسفانه این‌گونه نیست چون توسعه پایدار در اولویت نیست.

وی با بیان اینکه وضعیت محیط‌زیست در کشور مطلوب نیست، گفت: متأسفانه بحث درخصوص محیط‌زیست نیز برحاشیه است و هرگاه می‌خواهیم اتفاقی در این خصوص مطرح کنیم می‌گویند نگوئید که تشویش‌اندها ن عمومی است. به‌طور مثال اگر بخواهیم درخصوص کیفیت آب شرب صحبت کنیم به دلیل تشویش‌اندها عمومی مانع این کار می‌شوند.

است که در پردیسان هزار نهال کاشته شده است. جناب آقای دکتر فاضل، سرکار خاتم دکتر افتخاری (هرباریوم بخش گیاهشناسی موزه) شما کجااید که مانع از نابودی نهال باقیمانده پوشش گیاهی تهران در چندمتری محل کارتان شوید؟ من دیگر نمی‌توانم با زبان علم با شما صحبت کنم. چون می‌دانم اینها جواب نمی‌دهد.اگر صدبار بنویسم در آنجا چه می‌روید و چه نمی‌روید کسی به آدم وقتی نمی‌گذارد. گویانکه کارشناسان سازمان به حدی گرفتار وظایف سنگین کاری و مشکلات زندگی و دستورالعمل نوشتن برای پروژه‌های سازمان‌اند که فراموش کرده‌اند در چند قدمی محل کارشان هم گیاهانی هستند که به لطف آنها نیاز دارند. در آن بخش استبی باقیمانده پردیسان هنوز تعدادی گونه لندمیک و در حال اقراض و تعداد زیادی گونه خودرو رشد می‌کنند. آنها با زبان بی‌زبانی شما را یساری می‌طلبند. درختکاری وظیفه سازمان محیط زیست نیست. وظیفه شما حفظ تنوع زیستی است. معاونت انسانی سازمان هم بهتر است در متروی تهران را حل کند تا درخت بکارد. بهتر است چاره‌ای برای ترافیک پیدا کند و جلوی فروش تراکم را بگیرد که دیگر تهران توان گسترش بیش از این را ندارد. شهرداری و سازمان جنگل‌ها به اندازه کافی مشغول درختکاری هستند. جناب آقای دکتر فاضل، شما که در حال معاون معاون محیط طبیعی سازمان هستید و زمانی هم استراتژیست تنوع زیستی ایران در مجامع بین‌المللی بوده‌اید، برای همکاری‌تان توضیح دهید که تنوع زیستی و محیط‌زیست درختکاری نیست. من در ۲۵متر مربع منطقه استیی پردیسان ۴۶گونه گیاهی ثبت کرده‌ام. امروز این وظیفه شماست که از باقیمانده محیط طبیعی تهران حفاظت کنید. به خاطر می‌آورم که در چند سال پیش که محیط زیست به درستی جمع‌آوری نهال‌های کاشته شده در سرخره‌حصار را اجرا کرد، شما موضع‌گیری بسیار منطقی و علمی داشتید. انتظار ماست که در مقابل اعمال سطحی و تبلیغی ایستادگی کنید. من مجددا جملهای را که به خانم ابتکار گفتم و گوش نداده، به شما آقا محمدی‌زاده و تیم همراهان می‌گویم:اگر نتوانستید در پردیسان درست روبروهری چشم‌متان و در چندقدمی فرماندهی حفظ محیط زیست از چند هکتار زمین حفاظت کنید، می‌توان امید داشت که توان آن را دارید که از مناطق دوردرست کشور حفاظت کنید. ولی اگر نتوانستید و وسوسه این و آن شما را وادار به زخمی کردن و تخریب پردیسان - حتی اگر با بهانه‌های قشنگ درختکاری باشد- کرد، باید برای محیط زیست کشور متأسف شد و فقط دست دعا به ایزد بکنارید که شاید تنها ایمنمان موانع فیزیکی است که بخشی از تنوع زیستی ایران را برای نسل آینده حفظ کند و ناغیر.

■ **گیاه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه تهران**

نابودی دریاچه ارومیه از غروبهای زرد در جزیره شهرک ۱۳۹۰عکس‌های نادری

نگاه سبز

هورالعظیم در پرده شک بودن و نبودن

عباس محمدی

■ تالاب هورالعظیم یا هورالهوریزه، تنها بخش از مجموعه تالاب‌های بزرگ میان‌رودان (بین‌النهرین) است که تا به امروز باقی مانده است. عراق‌ها به این تالاب، «هورالهوریزه» می‌گویند، در حالی که هوریزه نام شهری در ایران است و ایرانی‌ها به آن «هورالعظیم» می‌گویند و در حالی که عظیم واژه‌ای عربی است. این نکته، شاید قرینه‌ای بر این باشد که فرهنگ‌ها و بیش از آن طبیعت، مرزهای سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسند و خواهان هماهنگی و هم‌زیستی هستند؛ حال آنکه طبقه‌های حاکم و سودجویان سبیری‌نابذیر، گونه‌گونی فرهنگ‌ها را بهانه‌ای برای ایجاد تضاد قرار می‌دهند تا به هدف‌های سلطه‌گرانه خود برسند. طبیعت اساسا میل به ایجاد و حفظ تنوع و پراکنده‌سازی قدرت دارد که می‌توان آن را به تسامح، گونه‌ای دموکراسی خواند. در دموکراسی طبیعی یک زیست‌بوم تکامل‌یافته (کلیماکس)، اقلیم‌ها و گونه‌های گیاهی و جانوری نمی‌خواهند یکدیگر را حذف کنند بلکه کوچک و بزرگ به یکدیگر وابسته هستند و در کنار هم می‌رویند.

نمونه ترازیک دشمنی دیکتاتورها با طبیعت را می‌توان در زمان حکومت صدام و در دشمنی او با فرهنگ و طبیعت جنوب عراق دید. او برای حذف یک جریان مخالف خود، تصمیم به حذف زیست‌بومی که آن مردمان را برای قرن‌ها در خود جای داده بود، گرفت. اقدام به خشکاندن و سوزاندن تالاب‌های گسترده میان‌رودان، جنایتی فراموش نشدنی بر انسان و طبیعت بود، اما مشابه آن جنایت به شکل‌های ماهرانه‌تر و شاید ملایم‌تر در لفاظای از آرایه‌های خوش آب‌ورنگ با عنوان‌های فریبنده تامین آب و توسعه و پیشرفت، اینجا و آنجا در حال اجراست. نتیجه نهایی این جنایت‌های نرم، باز هم تخریب جبران ناشدنی طبیعت و نابودی تنوع فرهنگی و تنوع زیستی است.

تالاب هورالعظیم در گذشته حدود ۳۰۰هزار هکتار وسعت داشته که گاه این وسعت به ۵۰۰هزار هکتار هم می‌رسیده است. حدود دوسوم این تالاب در خاک عراق و یک‌سوم آن در ایران قرار داشته است. صدام در اواخر حکومت برای مبارزه با مخالفان خود در جنوب عراق که در نیزازها و پهنایر منطقه می‌زیستند و پناه می‌گرفتند، تصمیم جنون‌آمیزی در نابودسازی نیزازهای آنجا گرفت و به این منظور، مسیر آب‌های ورودی به تالاب را تغییر داد و بخش‌های بزرگی از نیزازها را به آتش کشید. در نتیجه این کارها، تالاب‌های میان‌رودان که خاستگاه یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان –تمدن سومری‌ها، اختراع‌کنندگان خط – بود، تقریبا به طور کامل نابود شد و شیرازه زندگی ده‌ها هزار نفر که با کشاورزی و دامپروری و ماهیگیری و شکار پرنده در حوزه تالاب‌ها زندگی می‌کردند، از هم گسیخت.

در سال‌های اخیر، دولت عراق با کمک کشورهای اروپایی و آمریکا تصمیم به احیای تالاب هورالعظیم را گرفت اما حدود ۴۰ سدهی که در ترکیه و سوریه روی دجله و فرات ساخته شده و همچنین سد کرخه در ایران، آب ورودی به این تالاب را بسیار محدود و در نتیجه حیات آن را به تعبیر شاعر بزرگ ایران، شاملو «در پرده شکی میان بود و نبود» قرار داده است. بی‌اعتنایی به «جهان وطنی» طبیعت و عناصر آن، قاجعه‌هایی را پیش می‌آورد که کم و بیش دامن پدیدآورندگان آن را هم می‌گیرد. تصور اینکه چون سرچشمه یک رود در کشور یا منطقه ماست و بنابراین حق داریم که حیات رودخانه و مردمان و دیگر زیستمدان وابسته به آن را در پایین‌دست نادیده بگیریم، انگارهای غم‌بردار کراتیک و در نهایت زیانبار برای همگان است. امروزه می‌بینیم که سدسازی بر بالادست دجله و فرات و کرخه، گذشته از آثار مخربی که بر مراتع و زمین‌های کشاورزی و میراث فرهنگی در ساخته‌ها داشته‌اند، موجب کم آبی یا خشک شدن تالاب‌هایی در صدها کیلومتر پایین‌تر شده و در یک بازخورد پندآموز، گرد و غبار ناشی از این بیابان‌زایی نه فقط عراق بلکه بخش‌های گسترده‌ای از ایران و ترکیه را هم در بر گرفته است.

تخریب و آلودگی محیط‌زیست، چالشی عمده‌تا اجتماعی است که بدون در نظر گرفتن منافع جامعه‌های گوناگون به‌رهمبردار از آب و زمین، بدون مشارکت دادن گروه‌های گوناگون مردم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، بدون اعتنا به «حق ذاتی طبیعت» و به‌طور خلاصه بدون حاکم شدن یک دموکراسی واقعی و فراگیر، حل نخواهد شد.

